

## شناخت‌شناسی جریان فتح‌الله گولن در ترکیه

دکتر شعیب بهمن<sup>1</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال نوزدهم، شماره 4، پیاپی 76، زمستان 1397؛ صفحات 82-59

تاریخ پذیرش نهایی: 1397/11/05

تاریخ دریافت: 1397/10/15

### چکیده

طی سال‌های اخیر، جریانی در ترکیه رشد کرده که اگر چه خود را وامدار اندیشه‌های سعید نورسی عالم برجسته ترک می‌داند، اما از جهات گوناگون به ارائه الگویی نوین پرداخته است. این جریان که عموماً با نام رهبر آن فتح‌الله گولن آمیخته است، تحت عناوینی هم چون جماعت خدمت، جریان نورچی و جماعت گولن نیز شناخته می‌شود. این جریان نه تنها در ترکیه نوین به عنوان یکی از جریان‌های مهم شناخته شده، بلکه در سطح منطقه نیز جریانی تأثیرگذار محسوب می‌شود و طی سال‌های گذشته، رشدی فزاینده در مناطقی همچون بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز، آفریقا و حتی امریکا داشته است. با توجه به اهمیتی که این جریان در طول سال‌های اخیر در جامعه، سیاست و اقتصاد ترکیه داشته و همچنین این نکته که جریان گولن از لحاظ فکری و عقیدتی در رقابت و حتی تضاد با الگوی اسلام انقلابی جمهوری اسلامی ایران است و طی سال‌های اخیر بر مواضع ضدشیعی و ضدایرانی خود افزوده، بررسی ماهیت و میزان تأثیرگذاری مذهبی و سیاسی این جریان از اهمیت و ضرورت بسیار زیادی برخوردار است. بر این اساس تمرکز اصلی نوشتار حاضر بر شناخت‌شناسی جریان فتح‌الله گولن در ترکیه قرار دارد.

### واژگان کلیدی

ترکیه، فتح‌الله گولن، جریان گولن، جماعت خدمت، رجب طیب اردوغان

1. دکتری علوم سیاسی و مدیر علمی مؤسسه اندیشه‌سازان نور

در جهان اسلام، جریان‌ها و الگوهای فکری متعدد و بعضاً متعارضی وجود دارند. از جمله این جریان‌ها می‌توان به الگوی انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی امام خمینی (ره)، الگوی وهابی - سلفی که از سوی عربستان حمایت می‌شود و جریان اخوان المسلمین که ریشه در مصر دارد، اشاره نمود. در این بین طی سال‌های اخیر، جریانی در ترکیه رشد کرده که اگر چه خود را وامدار اندیشه‌های سعید نوری عالم برجسته ترک می‌داند، اما از جهات گوناگون به ارائه الگویی نوین پرداخته است. این جریان که عموماً با نام رهبر آن فتح الله گولن آمیخته است، تحت عناوینی هم چون جماعت خدمت، جریان نورچی و جماعت گولن نیز شناخته می‌شود. این جریان نه تنها در ترکیه نوین به عنوان یکی از جریان‌های مهم شناخته شده، بلکه در سطح منطقه نیز جریانی تأثیرگذار محسوب می‌شود و طی سال‌های گذشته، رشدی فزاینده در مناطقی همچون بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز، افریقا و حتی آمریکا داشته است.

درباره این جریان، دیدگاه‌های کلان مختلفی وجود دارد. به نحوی که برخی جریان گولن را جریان بومی می‌دانند که از بطن جامعه و اعتقادات مذهبی مردم ترکیه برخاسته است و برخی دیگر نیز آن را جریانی وارداتی تلقی می‌کنند که توسط آمریکا و سایر کشورهای غربی مورد حمایت قرار گرفته است.

باید توجه داشت که فتح الله گولن در ترکیه به شخصیت افسانه‌ای تبدیل شده که حضور، نفوذ و سایه وی و جماعتش در محیط و فضای کلیه اماکن سیاسی، نظامی و امنیتی ترکیه سایه افکنده و وابستگی این جماعت و التزام آن به احکام اسلامی و سیاست‌های آن بطور واضح و شفاف مشخص نیست. در واقع این جریان به رغم تعدد و تنوع حوزه‌های فعالیتش، همچنان ناشناخته و مبهم به نظر می‌رسد و بسیاری از صاحب‌نظران چه در داخل و چه خارج از ترکیه، نسبت به مقاصد و نیات دراز مدت این جریان اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. به نحوی که هیچ





کس از میزان قدرت مالی و تعداد طرفداران این جریان اطلاع درستی ندارد و معلوم نیست نفوذ گولن در دستگاه های کلیدی دولتی تا چه حد است و در صورت احراز قدرت بیشتر، چه خط مشی را پیش خواهد گرفت.

با توجه به اهمیتی که این جریان در طول سال های اخیر در جامعه، سیاست و اقتصاد ترکیه داشته و همچنین این نکته که جریان گولن از لحاظ فکری و عقیدتی در رقابت و حتی تضاد با الگوی اسلام انقلابی جمهوری اسلامی ایران است و طی سال های اخیر بر مواضع ضدشیعی و ضدایرانی خود افزوده، بررسی ماهیت و میزان تأثیرگذاری مذهبی و سیاسی این جریان از اهمیت و ضرورت بسیار زیادی برخوردار است. بر این اساس تمرکز اصلی نوشتار حاضر بر شناخت‌شناسی جریان فتح الله گولن در ترکیه قرار دارد. بر این اساس در وهله نخست، به بررسی سیر روند رشد تاریخی جریان خدمت و ابعاد و زوایای چگونگی ترویج تفکر گولن پرداخته خواهد شد. پس از آن ماهیت فکری و شیوه های عملی جریان گولن مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و در نهایت به رویکردهای خارجی این جریان پرداخته خواهد شد.

### دوران تحول گولن و جنبش خدمت

در جهان اسلام، جریان‌ها و الگوهای فکری متعدد و بعضاً متعارضی وجود دارند. از جمله این جریان‌ها می‌توان به الگوی انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی امام خمینی (ره)، الگوی وهابی - سلفی که از سوی عربستان حمایت می‌شود و جریان اخوان المسلمین که ریشه در مصر دارد، اشاره نمود. در این بین طی سال‌های اخیر، جریانی در ترکیه رشد کرده که عموماً با نام رهبر آن فتح‌الله گولن شناخته می‌شود. درباره این جریان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به نحوی که برخی جریان گولن را جریان بومی می‌دانند که از بطن جامعه و اعتقادات مذهبی مردم ترکیه برخاسته است و برخی دیگر نیز آن را جریانی وارداتی تلقی می‌کنند

که توسط امریکا و سایر کشورهای غربی برای ترویج اسلام میانه‌رو و ضدیت با اسلام سیاسی مورد حمایت قرار گرفته است.

اواخر دهه 1960 و اوایل دهه 1970، دوران ظهور پدیده گولن محسوب می‌شود. در این دوران گولن از دانش آموخته‌ای در مکتب نور، به مبلغ و واعظی مشهور مبدل شد. در سایت رسمی فتح‌الله گولن، بیوگرافی و زندگی‌نامه وی چنین توصیف شده است:

«فتح‌الله گولن در سال 1941، در قریه کوروجوک ولسوالی حسن قله ولایت ارزوروم متولد شد. نبوغ و ذکاوت او در یک خانواده متدین و روشن فکر، تحت تأثیر و با توجه عمیق پدرکلان، مادر کلانش مونسه خانم، والدینش و در خارج از خانواده، زیر نظر استادش لطفی افندی، رشد نمود. با توجه به ذکاوت فتح‌الله گولن، سه عنصر اساسی که شخصیت او را با آشکارترین اوصاف بیان می‌نمود، به وجود آمد:

**اول:** علاقمندی و وابستگی عمیق او و خانواده‌اش به دین مبین اسلام.

**دوم:** علاقه و محبت عمیق او به پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم و اصحاب او و بعداً به خانواده و تمام موجودات.

**سوم:** اشکریزی و اضطراب‌های او که از در گذشتن استاد مهربانش لطفی افندی، از دست دادن پدر و مادرش که در فاصله یک ساعت از همدیگر، دنیای فانی را وداع گفتند و بالاخره از حالت ناگوار و بدبختی‌هایی که دامن گیر مسلمانان امروز است، سرچشمه می‌گیرد.» (فتح‌الله گولن من‌حیث یک فرد، 1385)

آن‌طور که در تارنمای شخصی گولن ذکر شده، وی در طفولیت و کودکی در مدرسه دینی درس خواند و همزمان به حلقه‌های ذکر و تزکیه نفس نیز می‌رفت و علاوه بر علوم دینی، تربیت روحی را هم فرامی‌گرفت، او نحو و بلاغت و فقه و اصول فقه و عقاید را از عثمان بکتاش که یکی از معروف‌ترین فقهای منطقه بود، فرا



گرفت و به آموختن علوم وضعی و فلسفه نیز پرداخت. در دوران تحصیل با رسائل نور سعید نوری و حرکت طلاب نور آشنا شد و به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفت. پس از آن گولن علاوه بر فلسفه شرق، از فرهنگ، افکار و فلسفه غرب هم آگاهی یافت و خواندن علوم وضعی (علوم مثبتة) همچون فزیک، کیمیا، علم افلاک، طبیعت و ... را پی گرفت. (گوشه‌ای از زندگانی استاد فتح‌الله گولن، 1388)

فتح‌الله گولن در دهه 80 میلادی که از آن به عنوان دهه رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه نام برده می‌شود، فضای مناسبی جهت فعالیت پیدا کرد. پس از کودتای نظامی به رهبری کنعان اورن در سال 1980 و تصمیماتی که دولت نظامی وی در باب آزادی اقتصاد، خصوصی‌سازی مطبوعات و فراهم آوردن فرصت‌های کاری بیشتر برای سازمان‌های غیردولتی و از جمله سازمان‌ها و جماعت‌های دینی اعلام کرد، طریقت‌های دینی رو به شکوفایی نهادند که جریان گولن نیز در میان آنها قرار داشت. در این دهه که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود، گولن علاوه بر مسائل فرهنگی، به مباحث سیاسی نیز توجه زیادی نشان داد.

به طور کلی در دهه 1980 نظامیان ترکیه بیشتر از گذشته و به تندی وارد عمل بر علیه چپ‌گرایان شدند؛ زیرا در اواسط دوره جنگ سرد، چپ‌گرایان را تهدید خطرناکی برای دموکراسی سکولار ترکیه تلقی می‌کردند. در تلاش برای کاهش تنش اجتماعی و تمرکز بر روی خطر سیاسی اصلی، نظامیان سعی کردند تا اسلام‌گرایان را با سیاست «اسلام کنترل شده» آرام کنند. هدف این سیاست، ناسیونالیسم جدیدی مبتنی بر ترکیب اسلامی ترکی بود که شامل تفسیری وسیع از سنی‌گرایی در ترکیه و حفظ ترک‌های دیندار از گرایش به جنبش‌های اسلامی بین‌المللی بود. برای اجرای اسلام کنترل شده، حکومت ترکیه آموزش مذهبی اجباری در مدارس دبیرستان و برنامه‌های مذهبی تلویزیون را احیاء کرد، کنترل طریقت‌ها را کاهش داد، مدارس قرآنی نوجوانان را افزایش داد و تعداد مدارس



تربیتی امام خطیب را از 72 مورد در 1970 به 382 مورد در 1988 افزایش داد.<sup>1</sup> بر این اساس رهبران سکولار ترکیه معتقد بودند که با آرام کردن اسلام‌گراها می‌توانند مانع از انفجار اجتماعی و گسترش چپ‌گرایی شوند. این رهیافت از یک سو ملهم از ایالات متحده و از سوی دیگر برگرفته از ترس ناشی از صدور انقلاب اسلامی ایران به ترکیه بود. (Baran, 2010, p. 35-36)

به این ترتیب جریان گولن در دهه‌های 1980 و 1990 با فضای نسبتاً مساعدی برای فعالیت مواجه شد. این در حالی بود که در خارج از ترکیه نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، موقعیت مناسبی برای گولن به وجود آورد که افکار و عقاید خود را به این کشورها نیز صادر کند. به نحوی که در این دوران گولن موفق به ایجاد راه‌اندازی مدارس و آموزشگاه‌های مختلفی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز شد.

دهه اول 2000 که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه با گرایش‌های اسلامی مصادف بود، موجب قدرت‌گیری مجدد جریان گولن شد. همکاری و همراهی نزدیک جریان گولن با حزب عدالت و توسعه، حکایت از دوران نوینی بود که طی آن جریان گولن توانست نفوذ خود را به شدت گسترش دهد. بنیاد اتحاد جریان گولن و اردوغان زمانی پی‌ریزی شد که پس از انحلال حزب رفاه و به دنبال آن حزب فضیلت، شاخه نوگرایان جریان اربکان، به رهبری رجب طیب اردوغان و عبدالله گل، به تأسیس حزب حزب عدالت و توسعه اقدام نمودند. این اتحاد در سال 2007 به خاطر بیانیه تهدیدآمیز ارتش در ماجرای معرفی گل به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری از سوی حزب عدالت و توسعه به مجلس محکم تر شد. اولین ثمرات این اتحاد در انتخابات پارلمانی 22 جولای 2007 خود را نشان داد و حزب عدالت و توسعه با کسب پیروزی 47 درصدی در این انتخابات

1. فارغ‌التحصیلان مدارس مذهبی که اجازه داشتند فقط روحانی شوند اجازه یافتند که وارد تمام مشاغل (به جز نظامی) شوند و به سرعت در سیستم اداری حکومت موقعیت یافتند.





موفق شد در مجلس، عبدالله گل را به عنوان رئیس جمهور انتخاب کند تا برای نخستین بار در تاریخ ترکیه نوین، یک فرد اسلام‌گرا بر مسند ریاست جمهوری ترکیه قرار گیرد.

در این دوران، جنبش گولن از طریق مجاری رسانه‌ای خود، به حمایت از دولت اردوغان می‌پرداخت و متقابلاً نخست‌وزیر ترکیه نیز امتیازاتی به جریان گولن می‌داد. به عنوان نمونه، تعداد بسیار زیادی از پیروان گولن، پست‌های کلیدی در نظام اداری به ویژه پلیس را در دست گرفتند. همچنین دولت اردوغان به جنبش گولن کمک کرد تا فعالیت‌هایش را در حوزه مدارس، توسعه خوابگاه‌های دانشجویی و تجارت‌های پر منفعت نظیر بانک آسیا که سود بانکی اسلامی پرداخت می‌کرد، توسعه دهد. این امتیازات چنان برای جریان گولن پر منفعت بودند که پس از مدتی تمام شرکت‌های وابسته به این جریان به همراه شرکت‌هایی که توسط مسلمانان محافظه کار مدیریت می‌شد، در کنفدراسیون صنایع ترکیه (توسکون) ادغام شدند. (Baran, 2010, p. 84-85)

بر این اساس رابطه حزب عدالت و توسعه و جریان گولن، یک رابطه دوسویه بود که هر دو طرف از آن سوده می‌بردند. ضمن آنکه هر دو طرف دارای منافع مشترکی در داخل ترکیه بودند. با این حال پس از انتخابات پارلمانی سال 2011 و کسب رأی 50 درصدی توسط حزب عدالت و توسعه، نشانه‌های اختلاف بین دو جریان به تدریج آشکار شد. در سال‌های 2012 و 2013 که اختلافات گولن با اردوغان و حزب عدالت و توسعه علنی شد، تنش‌هایی در جامعه ترکیه به وجود آمد. به لحاظ تاریخی، چند اتفاق باعث تشدید اختلافات گولن و اردوغان و علنی شدن مشکلات میان دو طرف شد. این رویدادها عبارتند از:

1. مخالفت گولن با طرد سفیر اسرائیل از ترکیه در پی یورش نیروهای اسرائیلی به کشتی ترکیه‌ای «مرمره» که در سال 2010 به سوی غزه در حال حرکت بود.



2. مخالفت جریان گولن با روند موسوم به مذاکرات اسلو که گفت و گوهای پنهانی بین مقامات میت (سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه) و پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان ترکیه) که از سال 2011 آغاز شده بود.
  3. فراخوانده شدن هاکان فیدان، رئیس میت و از معتمدان اردوغان در 7 فوریه 2012، توسط یک دادستان هوادار جریان گولن به منظور ادای توضیحات درباره مذاکره با حزب کارگران کردستان.
  4. بروز اختلاف میان جریان گولن و حزب عدالت و توسعه در خصوص نحوه محاکمه ژنرال باشبوغ به اتهام رهبری شبکه زیرزمینی «ارگنه‌کن»<sup>1</sup> و توطئه و برنامه‌ریزی جهت ایجاد هرج و مرج در کشور و براندازی دولت ترکیه.
  5. انتقادهای تند گولن از اردوغان در جریان جنبش گزی پارک<sup>2</sup> که موجب شد برخی محافل نزدیک به دولت، جریان گولن را بخشی از توطئه گزی پارک علیه دولت اردوغان معرفی کنند.
  6. اقدام دولت اردوغان مبنی بر تعطیلی کلاس‌های خصوصی و تقویتی و غیرانتفاعی در اواسط نوامبر 2013 که موجب بسته شدن بخشی از مدارس گولن و از بین رفتن درآمد این جریان از قبال شهریه‌های مدارس شد.
  7. افشای فساد مالی وزرا و مدیران میانی حزب عدالت و توسعه در روز 29 آذر 1392 (17 دسامبر 2013)، توسط عوامل جریان گولن در پلیس امنیت و
- 
1. ارگنه کن به سازمان مخفی و ملی‌گرای افراطی در ترکیه اطلاق می‌شود که اعضای آن پیوندهایی با نیروهای امنیتی و نظامی ترکیه دارند. این گروه متهم به تروریسم در ترکیه است و القاب متفاوتی چون اوراسیاگراها یا انزواطلب به آنها نسبت داده می‌شود. اعضای این گروه خود را به عنوان مدافعان سکولاریسم و حاکمیت ملی معرفی می‌کنند. براساس ادعاینامه دادگاه، این گروه خود را حافظان منافع ملی می‌دانند که مخالف حاکمیت حزب عدالت و توسعه هستند چون که معتقدند این حزب ترکیه را تسلیم منافع غرب خواهد کرد.
  2. جنبش گزی پارک مربوط به اعتراض طرفداران محیط زیست به قطع درختان پارک گزی در میدان استانبول در اواسط سال 2013 بود که بهانه‌ای را فراهم نمود تا مخالفین اردوغان با استفاده از آن به خیابان‌ها ریخته و مدت قریب به بیست روز با تظاهرات و شورش‌های خیابانی چالش‌های بزرگی را برای دولت ترکیه فراهم نمایند.







سیستم قضایی این کشور که موجب دستگیری بسیاری از نزدیکان اردوغان شد. 8. افشای مکالمات تلفنی مقامات دولتی توسط عوامل اطلاعاتی جریان گولن که

موجب تشدید اختلافات و علنی شدن لایه‌های پنهان جریان گولن در ترکیه شد. در مجموع این حوادث پی در پی در ترکیه باعث متحول شدن جنبش گولن از جریانی هم‌پیمان با اردوغان و حزب متبوعش به مخالفی سیاسی شد. به نحوی که روند همراهی جنبش گولن و دولت اردوغان تقریباً تا دسامبر 2013 ادامه یافت. در آن زمان، بروز اختلاف میان اردوغان و گولن باعث شد که دولت ترکیه از سفارتخانه‌های خود درخواست کند تا اقدامات مقتضی را علیه فعالیت‌های این جنبش در خارج از کشور انجام دهند. این روند کم و بیش تا زمان وقوع کودتای نافرجام 16 جولای 2016 در ترکیه ادامه داشت. پس از وقوع این کودتای نافرجام، دولت ترکیه به صورت جدی‌تری مقابله با جنبش گولن را در داخل و خارج از ترکیه در دستور کار قرار داد.

در 20 جولای 2016، رجب طیب اردوغان به عنوان رئیس جمهور ترکیه، یک وضعیت اضطراری سه ماهه را در کشور اعلام کرد و خواستار آن شد که «همه ویروس‌ها در نیروهای مسلح پاک‌سازی شوند.» این وضعیت به اردوغان اجازه می‌داد که با حکم قضایی قادر به دور زدن مجلس برای تصویب قوانین، ایجاد مجوز منع رفت و آمد، تعلیق حقوق انجمن‌ها و بنیادهای خصوصی، محدودیت‌های رسانه‌ای و غیره باشد. اگرچه دولت ترکیه در آغاز اعلام کرد که وضعیت اضطراری علیه شهروندان بکار گرفته نخواهد شد، اما دولت ترکیه در نخستین حکم خود با استناد به وضعیت اضطراری، 1043 مدرسه خصوصی، 1229 بنیاد و انجمن، 35 نهاد پزشکی، 19 اتحادیه و 15 دانشگاه را که در ارتباط با جنبش گولن بودند، تعطیل کرد. (Putz, 2016)

از همان زمان مشخص بود که دولت ترکیه تنها به تعطیلی نهادهای وابسته به گولن در داخل ترکیه رضایت نخواهد داد و در پی تعطیلی تمام مدارس و



آموزشگاه‌های این جنبش در خارج از مرزهای ترکیه نیز برخواهد آمد. به خصوص که اختلافات موجود میان اردوغان و گولن پیش از وقوع کودتا نیز وجود داشت و در همان زمان نیز دولت ترکیه بارها خواهان بسته شدن نهادهای مرتبط با این جنبش در سایر کشورها شده بود.

### ماهیت‌شناسی جریان گولن

درباره ماهیت جریان گولن، نظرات بسیار زیادی مطرح شده است که برخی از آنها با یکدیگر در تضاد هستند. به نحوی که برخی، جریان گولن را جریانی بومی و برخی نیز جریانی وارداتی می‌دانند. همچنین عده‌ای نیز جریان گولن را نوعی از اسلام طریقتی به شمار می‌آورند. با این حال به نظر می‌رسد جریان گولن علیرغم شباهت‌هایی که به برخی طریقت‌ها در داخل ترکیه دارد، طی سال‌های گذشته سعی کرده خود را به مثابه یک جنبش اجتماعی ساماندهی کند.

هواداران فتح‌الله گولن معتقدند که نام وی با اصطلاح اسلام روشنگر و یا معتدل ترک گره خورده است؛ زیرا گولن، جریان دینی - سیاسی مدرنی را تأسیس کرده که مدرنیته را با دین ورزی، ناسیونالیسم، تسامح و مردم‌سالاری پیوند داده و اسلام و ناسیونالیسم و آزادی‌خواهی را در کانون واحدی گرد آورده است. از سوی دیگر مخالفان گولن معتقدند که وی بیشترین خطر را برای لائسیته دارد و او را متهم می‌کنند که از طریق اسلامی‌سازی فعالیت‌های اجتماعی، در پی ریشه‌کنی بنیاد لائیک دولت ترکیه است.

واقعیت آن است که درباره ماهیت جریان گولن، اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دست کم دو دیدگاه را در خصوص نحوه شکل‌گیری و ماهیت این جریان عنوان کرد:

دیدگاه اول بر این اعتقاد است که جریان گولن بر مبنای نیازهای جامعه ترکیه ایجاد شده و گولن توانسته به عنوان یک جریان بومی به نیازهای معنوی بخش





مهمی از مردم ترکیه پاسخ قابل قبولی ارائه دهد. در واقع جریان گولن متناسب با شرایط جامعه بومی ترکیه عمل کرده و با نیازسنجی هوشیارانه‌ای که از جامعه به عمل آورده، در خلأهایی نظیر رسانه و نظام آموزشی رخنه کرده که دیگران حضوری نداشتند یا توجهی به آن حوزه‌ها نمی‌کردند. بنابراین در این دیدگاه، جریان گولن دارای ماهیتی کاملاً بومی است و ریشه در تحولات تاریخی، اجتماعی و مذهبی ترکیه دارد.

دیدگاه دوم بر این اعتقاد است که جریان گولن، حرکتی عکس‌العملی در برابر انقلاب اسلامی ایران است. در واقع این جریان، حرکتی خودجوش نیست که از بطن جامعه ترکیه نشأت گرفته باشد. تاریخ تأسیس و رشد جریان گولن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است و با توجه به ماهیت این جریان که بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌ورزد، می‌توان آن را جریانانی در برابر اسلام انقلابی ایران محسوب نمود که قائل به پیوند دین و سیاست است.

بر این اساس می‌توان جریان گولن را ساخته و پرداخته غرب تلقی کرد که به عنوان بدیلی برای اسلام سیاسی در جهان اسلام مطرح شده است. آنچه باعث تقویت این رویکرد می‌شود، نقطه تمایز جنبش گولن از دیگر جنبش‌های اسلامی در منطقه و جهان است. زیرا با توجه به اینکه جریان گولن از دموکراسی، سکولاریسم و جدایی دین از سیاست دفاع می‌کند، مورد حمایت غرب قرار گرفته است. به همین دلیل در داخل ترکیه، برخی به صورت ضمنی جریان فتح الله گولن را توطئه‌ای از طرف نیروی سکولار و غرب می‌دانند که برای اضمحلال یا ضربه زدن به اسلام‌گرایی سیاسی ترکیه و حتی خاورمیانه، درصدد تقویت و گسترش این جریان هستند. (بهمن، 1394، ص 45)

بر اساس این رویکرد، کانون‌های سیاسی قدرت در غرب با محوریت آمریکا با اوج احساسات اسلام‌گرایی در سال‌های انتهایی دهه‌ی 1970 میلادی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران همراه بود و با توجه به ریشه‌های اسلامی موجود



ترکیه به این نتیجه رسیدند که بیش از این نمی‌توان با مکتب سکولاریسم مانع فعالیت‌ها و حرکت‌های اسلامی در ترکیه شد. به همین علت تلاشی را آغاز کردند که بر اساس آن قرائت جدیدی از اسلام با محوریت مدارا و تسامح و گرایش جدی به لیبرالیسم به مردم ترکیه عرضه شود و در ادامه این نوع از اسلام را در منطقه و جهان ترویج نمایند. در این راستا جریان گولن در داخل و خارج از ترکیه تقویت شد تا گفتمان او به الگویی برای مسلمانان و کشورهای اسلامی مبدل گردد.

شواهد و مدارک مختلفی درباره اثبات این ادعا وجود دارند. به عنوان نمونه، «عثمان نوری گونلوز» رئیس پیشین دستگاه اطلاعاتی ترکیه در خاطرات خود که منتشر شده، جریان گولن را پوششی برای فعالیت‌های سیا در اواسط دهه 1990 میلادی تلقی کرده و مدعی شده که در آن دوره، حدود 130 عضو سیا در مدارس گولن در قرقیزستان و ازبکستان پناه گرفته بودند. (اعتضادالسلطنه، 1391، ص 139)

به این ترتیب در شرایطی که بسیاری از مطبوعات غربی جهان، گولن را رهبر جنبش اجتماعی اسلامی قومیت‌گرا و ناستیز با غرب می‌دانند که با کمک امریکا، آینده خاورمیانه را به سوی اسلام اجتماعی جهت می‌دهد، خود وی ارتباطش با امریکا را نادرست می‌داند و به رد تمام ادعاها در این باره می‌پردازد. به عنوان نمونه، فتح‌الله گولن در مصاحبه خود با روزنامه زمان در تاریخ 2004/3/26 گفت: «برخی می‌گویند که مدارس ما با کمک و حمایت امریکا در کشورهای دیگر تأسیس می‌گردد، ولی این اتهام ناشی از حسادت است و واقعیت ندارد. برخی نیز می‌گویند که من آلت دست و مزدور امریکا هستم، ولی این ادعا صحت ندارد. من از سال 1999 تاکنون در امریکا اقامت دارم ولی با مقامات آمریکایی ارتباط ندارم. البته دولت امریکا تاکنون نسبت به من بی‌احترامی نکرده است.» (سایت فتح‌الله گولن، 2004)

به هر روی جریان گولن دارای ادبیات و گفتمانی مختص به خود است. این





جریان موفق شده در سال‌های گذشته بی توجه به ادبیات و مفاهیم سایر گروه‌ها و جریان‌ها، گفتمانی را ترویج نماید که از یک سو ریشه در افکار گولن و از سوی دیگر ریشه در تحولات تاریخی ترکیه داشته‌اند.

جریان گولن پس از گذشت سال‌های زیاد و از سر گذراندن دوره‌های مختلف، موفق شده زبانی مخصوص به خود را پدید آورد؛ به عنوان مثال، فتح‌الله گولن، اصطلاحاتی مانند ایشیک ارلری (جوانمردان نور)، ایشیک اولری (خانه‌های نور)، ایشیک سواریلری (سوارکاران نور) را به کار می‌برد. ایشیک در زبان ترکی استانبولی به معنای «نور» است. وقتی می‌گوید «ایشیک سواریلری» مقصود مریدان نور و میلیتان‌های نور است و وقتی از «ایشیک اولری» صحبت می‌کند، منظورش مدارس است. (زارع، 1383، ص 249)

زبان و مفاهیم گسترده‌ای که جریان گولن به وجود آورده، حکایت از آن دارد که جماعت خدمت دارای یک گفتمان اسلامی مختص به خود است. بر این اساس به نظر می‌رسد گولن که در دهه 80 بیشتر بر تلفیق هویت اسلامی و ملی‌گرایی ترکی تأکید می‌کرد، در دهه 90 تحولاتی در گفتمان خود به وجود آورد. به نحوی که جریان گولن به تبلیغ نوعی تساهل پرداخت که بر سازگاری اسلام با دموکراسی سکولار و غرب تأکید داشت و برنامه خود را حرکت در جهت احیاء فرهنگ اسلامی معرفی نمود. (Baran, 2010, p. 43)

آنچه در این تحول فکری مؤثر بود، رفت و آمد وی به غرب و سکونت در ایالات متحده آمریکا بود؛ زیرا وی که پیشتر آمریکا را بد و شر می‌دانست، به مرور زمان از ایالات متحده تمجید به عمل آورد و جهت تعمیم الگوی آمریکایی همزیستی گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر تلاش کرد. این مسئله باعث شد که جریان گولن به عنوان جریانی اسلامی، انتقاداتی را متوجه فرآیند غربی‌سازی در ترکیه طی سال‌های زمامداری لائیک‌ها کند. پایه اصلی انتقادات گولن این بود که چرا کارگردانان این فرآیند که اکثراً لائیک و سکولار بوده‌اند، به ارزش‌هایی مانند

تساهل، مدارا و همزیستی عمل نکرده‌اند. از سوی دیگر جریان گولن انتقاداتی نیز نسبت به جریان های اسلامی تندرو در داخل ترکیه داشت و از همکاری با آنها اجتناب می‌ورزید.

به این ترتیب ارزش‌هایی مانند تسامح و گفت‌وگو در دهه 90 به گفتمان فتح‌الله گولن اضافه شدند. به نحوی که جریان گولن به دنبال گسترش برنامه های اخلاقی، اعتدال و سازگاری اسلام و غرب برآمد و هدف نهایی خود را آشتی ارزش های دموکراسی سکولار با ارزش‌های اسلامی قرار داد. (Baran, 2010, p. 85) در گفتمان گولن بر این امر تصریح می‌شود که این امکان وجود دارد که انسان‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند. دلیل آنها این است که بین انسان‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارد و وجود این ارزش‌های مشترک، معلول آن است که همه انسان‌ها مخلوق خدایی واحد هستند. بر این مبنا گفتمان گولن، مدینه‌النبی را به عنوان مکانی مطرح ساخت که ادیان مختلف در آن در کنار یکدیگر همزیستی دارند.

گولن معتقد است نسخه پیشرفته‌ای از اسلام به جهان عرضه کرده است که می‌تواند موجب پیشرفت مسلمانان و جهان اسلام گردد. این قرائت از اسلام نه تنها مخالف هر گونه اسلام رادیکال است، بلکه اسلام سیاسی را هم به شدت رد می‌کند. بر این اساس فتح‌الله گولن اعتقاد دارد: «حقوق و آزادی‌های اسلامی، آزادی اندیشه و بیان و آزادی فعالیت اسلامی در ترکیه بسیار بیشتر از ایران و عربستان سعودی، جنوب عراق، لیبی، مغرب، تونس و الجزایر است. ابراز احساسات دینی در ترکیه بسیار آزادتر است. شرایط ترکیه مساعدتر و ملایم‌تر از ایران است. در ترکیه انتخاب روش زندگی، تفکر و اعتقاد محدودیتی ندارد. هیچ کس محیط زندگی خانوادگی و طرز زندگی را محدود نکرده است. ترک‌های مسلمان و عثمانی نرم خو بودند و اعتقادات دینی مختلف را سرکوب نکردند. ولی ایرانی‌ها چنین تفکری نداشتند.» (The interview given to Nicole Pope, 1998)

وی همچنین در جای دیگری می‌گوید: «در کشورهای اسلامی دیگر، نظیر



ایران و عربستان که یک نوع اسلام مشخصی به چشم می‌خورد، با تفکرات و اعتقادات با مسامحه برخورد نمی‌شود، ولی در ترکیه تا حدودی نظام جمهوری مستقر شده است و مسلمانان احساس راحتی می‌کنند. سعودی‌ها همه را با توسل به زور در مساجد جمع می‌کنند. ایران تحت عنوان انقلاب اسلامی اقداماتی انجام داد، ولی اگر در آنجا بخواهید خدمت‌رسانی کنید، ممکن است اعدام و یا محکوم به حبس ابد شوید.» (Daily Sabah, 1997)

به این ترتیب گولن هرگونه اسلام سیاسی و انقلابی و همچنین اسلام افراطی و رادیکال را رد می‌کند و الگوی مورد نظر خود را بیان می‌کند. گولن اعتقاد دارد که تفسیر و تجربه ترکیه از اسلام، متفاوت از دیگران به خصوص اعراب می‌باشد. به همین دلیل وی در توضیح تجربه ترکیه از اسلام، از اصطلاح «اسلام آناتولیایی» سخن می‌گوید و معتقد است که این اسلام بر خلاف اسلام رایج در میان اعراب، بر مبنای تساهل بوده و فاقد محدودیت‌های سخت و تعصب‌گرایی می‌باشد. (رباسا، بنارد، شوارتز و سیکل، 1386، صص 134-133) البته گولن در تفاسیر خود از اسلام آناتولیایی، به صراحت اعلام کرده که به‌دنبال اسلامی با صبغه ترکی است و می‌خواهد ایدئولوژی ناسیونالیسم ترک را اسلامی کند. این قرائت از اسلام دارای ویژگی‌هایی به این شرح است:

1. تاسی گرفتن از آموزه‌های سعید نوری؛
2. اعتقاد عمیق به مدارا و تسامح؛
3. مخالفت صریح با گسترش اسلام انقلابی؛
4. محکوم نمودن هرگونه تروریسم و خشونت؛
5. حمایت از حجاب زنان؛
6. اعتقاد به گفت‌وگوی بین ادیان الهی و پیروان کتاب‌های آسمانی؛
7. تعامل با نهادهای مذهبی سایر ادیان نظیر واتیکان و برخی مراکز مذهبی یهودی؛
8. نگاه به شدت منفی نسبت به تشیع و شیعیان. (بهمن، 1394، ص 32)



از نظر گولن یک جامعه ایده‌آل و منظم بر مبنای یک دولت قدرتمند و یک بازار قوی که به نوبه خود متضمن یک سیستم آموزشی توسعه‌یافته است، قوام می‌یابد. به اعتقاد گولن، در چنین جامعه‌ای تربیت (شخصیت‌سازی) و تعلیم (آموختن علوم مدرن) با نظم ترکیب شده‌اند. این ایمان معنوی برای تقویت مسلمان ترکیه فقط می‌تواند از اسلام که نقشه ذهنی مشترک ترک‌ها می‌باشد، نشئت بگیرد. (یاووز، 1392، ص 266)

فتح‌الله گولن از لحاظ تفکر دینی، اصول نظریه دینی غرب را پذیرفته و به دفعات درباره غرب و مزایای رابطه نزدیک با آن سخن گفته است. به اعتقاد گولن، غرب‌گرایی در ترکیه به اشتباه تعبیر و تفسیر شده است. چرا که معمولاً غرب‌گرایی و کمالیسم مترادف یکدیگر تعریف شده‌اند. این در حالیست که آتاترکیسم به معنی عدم تقلید بدون قید و شرط از غرب و تلاش برای رسیدن به تمدن و پیشرفت علمی و فنی و دموکراسی غرب است. از نظر گولن، با این نوع دیدگاه، هیچ‌کس مخالف غرب‌گرایی نیست. زیرا کسی که به خود ایمان داشته باشد و اعتماد به نفس داشته باشد، نمی‌تواند مخالف همکاری و همگرایی با غرب و آمریکا باشد. (ملی‌گرایی، نژادپرستی نیست، 1997)

بر این اساس طی سال‌های گذشته، جریان گولن از روش‌های خاصی برای دستیابی به اهداف مختلف خود استفاده کرده است. در این راستا می‌توان ترویج الگوی خدمت، تمرکز بر حوزه‌های آموزشی، همکاری با دولت‌های مختلف و اولویت دادن به جماعت و بی‌توجهی به مسایل دیگر را از جمله مهمترین روش‌های دستیابی جریان گولن به اهداف خود عنوان نمود.

یکی از مهمترین روش‌های جریان گولن برای دستیابی به اهداف درازمدت خود، سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش بوده است. گولن معتقد است که هر گونه تغییر در جامعه باید از راه تغییر در آموزش صورت گیرد. بر این مبنای گولن، اسلام‌گرایی آموزشی را در برابر اسلام‌گرایی سیاسی مطرح می‌کند. گولن در پی







آن است که با فعالیتهای آموزشی، نسلی طلایی ایجاد کند که هم در اسلام ریشه داشته باشد و هم در دنیای مدرن و علمی مشارکت کند. بر این اساس اعتقاد دارد که از مجرای آموزش می‌توان از افول مسلمین جلوگیری کرد.

به همین دلیل گولن از آغاز فعالیتهای تبلیغی دینی، به نسل جوان به ویژه دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان توجه ویژه‌ای داشت. این امر باعث شد تا بسیاری از آنان پس از فراغت از تحصیل به جنبش گولن بپیوندند و مروج اندیشه‌های وی باشند. (زارع، 1387، ص 245) از این رو گولن دائماً پیروان خود را به گشودن مدارس مدرن در سراسر جهان توصیه می‌کند.

به طور کلی جریان گولن، سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش را وسیله بسیار مهمی برای ایجاد سرمایه اجتماعی می‌داند. سرمایه اجتماعی می‌تواند به شکل سازمان‌های اجتماعی مثل شبکه‌های هنجارها و شبکه‌های اعتماد در بیاید؛ این شبکه‌ها کارآمدی جامعه را با اعمال هماهنگ بهبود می‌دهند. همچنین از رابطه آموزش و تغییر اجتماعی نیز نمی‌توان غافل بود. این نیروهای انسانی هستند که تغییرات اجتماعی را شکل می‌دهند و این نهادهای آموزشی هستند که نیروهای اجتماعی را ایجاد می‌کنند.

### رویکردهای خارجی جریان گولن

جریان گولن در حوزه سیاست خارجی دارای ایده‌های خاص خود است که در این میان توجه به غرب و کشورهای ترک‌زبان از اهمیت بیشتری برخوردار است. گولن معتقد است که امریکا و مجموعه غرب، اکنون به قدرت‌هایی جهانی تبدیل شده‌اند که چاره‌ای جز همکاری با آنها وجود ندارد. بنابراین جریان گولن از گسترش روابط ترکیه با امریکا و اتحادیه اروپا استقبال می‌کند. در منطقه خاورمیانه نیز گولن، جهان عرب و ایران را حوزه حیاتی ترک‌ها نمی‌داند و اولویت اول را به صلح با رژیم صهیونیستی و حتی برقراری رابطه با ثبات و



بی‌تنش با این رژیم می‌دهد.<sup>1</sup> نکته قابل توجه دیگر در نگرش خارجی جریان گولن، ضدیت با جمهوری اسلامی ایران است. به نحوی که جریان گولن در ترکیه سعی کرده با فشار بر دولت در مقاطع مختلف، آن را به کاهش و حتی قطع روابط با ایران ترغیب نماید. به همین دلیل نیز عموماً در رسانه‌های وابسته به جریان گولن، مطالب ضدایرانی و ضدشیعی زیادی منتشر می‌شوند. نگاه گولن به شیعه و ایران، نگاهی عثمانی مآبانه است و وی درباره ایران اعتقاد دارد که ایرانی‌ها به دلیل ملیت‌گرایی و احساسات ناسیونالیستی به سمت دین و برجسته کردن مذهب تشیع رفته‌اند. در نتیجه گولن که از یک‌سو موضعی ضد شیعی دارد و از سوی دیگر مخالف ادغام دین و دولت است، نگاه خصمانه‌ای به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.<sup>2</sup> بر این اساس جریان گولن معمولاً

1. ارتباطی که بین اسرائیل و گولن وجود دارد یکی از مهمترین و متمایزترین خصوصیات رهبری گولن است. گولن در خصوص مبارزه مسلمانان فلسطینی به ویژه انتفاضه، نگاه مناسبی ندارد. او فلسطینی‌ها را متهم می‌کند و در روزی که شیخ احمد یاسین به شهادت رسید، از معیارهای تروریستی مورد پذیرش آمریکا و اسرائیل جانبداری کرد و به گفتن این جمله پرداخت که «تروریست‌ها نمی‌توانند مسلمان باشند». همچنین در زمان حمله اسرائیل به غزه، علیرغم محکوم نمودن جهانی حملات اسرائیل به غزه، فتح‌الله گولن هیچ‌گونه اعتراضی نکرد. وی بعد از حادثه کشتی مرمره آبی (ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه) در ژوئیه 2010 و کشته شدن 9 تن از شهروندان ترکیه توسط کماندوهای اسرائیل، در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست به اشتباه بودن این اقدام و ضرورت اخذ مجوز از رژیم غاصب اسرائیل تأکید کرده بود که نسبت به این سخنان گولن عکس‌العمل‌های منفی و انتقادات زیادی شد. نکته حائز اهمیت این بود که این انتقادات از طریق رسانه‌های وابسته به دولت اسلامی منعکس نشده و اظهارات گولن در رسانه‌های وابسته به غرب بازتاب گسترده‌ای داشته است و صالح یا ییلاجی دبیر بنیاد روزنامه‌نگاران و نویسندگان و از اعضای مهم جماعت گولن به این موضوع اعتراف کرده و توجیه وی از این عمل گولن این بوده است که این سخنان برای ایجاد توازن بیان شده است؛ یعنی برای این که ترکیه دچار موقعیت بدتری نشود.

به هر روی جنبش گولن مخاطبان از احساسات ضداسرائیلی در گروه‌های اسلامی ترکیه اجتناب کرده و همچنین مسائلی نظیر مخالفت پر سر و صدای گولن با اعزام کشتی به غزه در سال 2010، به عنوان شواهد توطئه اسرائیل و پیوند گولن با تل‌آویو مطرح شد. در این بین حتی اردوغان اعتقاد دارد که محور فتح‌الله گولن - اسرائیل در ارتباط با یکدیگر بوده و در صدد خلع او از قدرت اند. سوءظن اردوغان ناشی از انتقاد آشکار گولن از قطع رابطه ترکیه و اسرائیل سال 2010 است. (Akyol, 2013)

2. فتح‌الله گولن در سال 2005 طی مصاحبه‌ای که با روزنامه ملیت چاپ ترکیه انجام داد، دیدگاه‌های



## از عنوان «شیطان پارسی» برای سخن گفتن علیه ایران استفاده می‌کند. شخص

خصمانه خود نسبت به ایران را چنین بیان داشت: «ایران با اقدام به صدور انقلاب خود سعی کرد که حمایت سایر ملل را کسب نماید. طالبان افغانستان نیز دچار چنین خیالاتی شدند. اینها افرادی هستند که از اداره امور بی‌خبرند و از پشتوانه عملی واقعی برخوردار نیستند. ایران از این منظر چیزهای جدیدی را مطرح کرد و سعی نمود که آنها را صادر کند. البته در برخی موارد موفقیت‌آمیز عمل کرد. مثلاً در سال 1992 به استرالیا رفتم. دولت ایران در آن سال 100 دانشجوی دکترا به استرالیا اعزام کرده بود. ترکیه نیز می‌توانست مثل ایران به کشورهای دیگر دانشجو اعزام نماید و فرهنگ و فلسفه وجودی خود را بشناساند و فعالیت لابی‌گری انجام دهد. یک کشور برای لابی‌گری نباید تنها به سفارت‌خانه‌ها، کنسولگری‌ها و وابستگان فرهنگی و غیره اکتفا کند. آیت‌الله‌های ایران که به‌عنوان مجتهد شناخته می‌شوند، می‌توانستند مسائل فرعی را که قابل تأویل و تفسیرند بازسازی کنند و شکاف بین خود و اهل سنت را پر نمایند و با جهان اهل سنت روابط نزدیک‌تری برقرار نمایند. آنها همچنین می‌توانستند برخی از اختلافات و درگیری‌های نامناسب خود را با آمریکا برطرف و روابط حسنه برقرار کنند. بعد از انقلاب اسلامی ایران، خمینی شاید هم بصورت اغراق‌آمیزی اعتبار زیادی (در جهان اسلام و غرب) کسب کرد. می‌توانست از این اعتبار و نفوذ خود برای حل برخی از اختلافات فرعی با اهل سنت استفاده کند. ولی این کار را نکرد. خمینی فرصت صلح با جهان اهل سنت را با پشت دست خود دور نمود. من معتقدم که او می‌بایست به طرف حل اختلاف و صلح با جهان اهل سنت پیش می‌رفت. ایران شاید حق دارد که در کشور خود انقلاب کند، ولی حرکت آنها به نام اسلام بسیار بد بود. چنانکه حوادث غیرقابل قبول ایران آن‌طوری پیش رفت که در چهار گوشه دنیا احساس نفرت نسبت به مسلمانان و اسلام به وجود آمد. ایران باعث شد که حوزه فعالیت کسانی که با حسن نیت به دین خدمت می‌کردند بسیار تنگ‌تر شود. اکنون در هر گوشه جهان وقتی از دین و دیانت و حق اعتقادات مذهبی فردی و طرز زندگی خانوادگی سخن گفته می‌شود با مشکل روبه‌رو می‌شویم. دین اسلام دارای ابعاد زندگی اجتماعی نیز هست. این خصوصیات دولت و اصول دولت و حاکمیت را نیز نگران و ناراحت نمی‌کند. ولی کسانی که نگران (تبدیل دولت به دولت اسلام هستند)، کوچک‌ترین حرکت اسلامی را بعنوان تلاش برای تبدیل شدن به ایران دوم تلقی کرده و افراد فعال در این نهضت‌ها را نیز بعنوان ملاها معرفی کردند. برخی نیز به خمینی‌گرایی ملقب شدند. من نمی‌دانم که آیا انقلاب ایران به مردم ایران نفعی رسانده است یا نه. ولی سایر مسلمانان جهان را نیز زیر تهمت قرار داد. آنها (سایر دولت‌ها) به مسلمانان به دیده شک و تردید نگاه می‌کنند و از خود می‌پرسند که آیا مسلمانان نیز (مثل ایران) دارای اهداف مورد نظر (انقلاب اسلامی) هستند یا نه؟ با وقوع حادثه 11 سپتامبر اوضاع وخیم‌تر شد و نهضت ایران که به نام اسلام انجام شد به مسلمانان ضرر زد. انقلاب ایران به علت خصوصیت دینی، به منبع الهام در ترکیه در اهل سنت نیز طرفدارانی پیدا کرد. تعدادی از دینداران ترکیه با نمایندگی‌های ایران ارتباط برقرار کردند و حتی تعدادی از آنها برای آموزش به مراکز آموزشی ایران رفتند. یعنی ایران به یک نمونه تبدیل شد. قبلاً وهابیان این گرایش‌ها را مورد بهره‌برداری قرار می‌دادند. انقلاب ایران، مصر و حتی کانادا را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. ولی محتوای آن خشونت بار است.» (مصاحبه فتح‌الله گولن با روزنامه ملیت، 2005/1/12)



گولن در حالی که در چارچوب گفت‌وگوی بین‌ادیان خود را طرفدار ارتباط با مسیحیان و یهودیان می‌داند، ولی هرگز به سوی شیعیان گامی بر نداشته است. اظهارات تند جریان گولن علیه ایران در سال‌های گذشته به یک دشمنی آشکار تبدیل شده و ایران به عنوان مرکز شیعیان به هدف اصلی این جریان جهت ایجاد نفرت مبدل شده است. (Kutahyali, 2014) به نحوی که رسانه‌های وابسته به گولن، مملو از موارد خیالی عجیب و غریبی علیه ایران شده‌اند.<sup>1</sup>

1. به عنوان نمونه، شبکه تلویزیونی اصلی گولنی‌ها یعنی سامن یولو برنامه‌ای را در سال 2013 پخش کرده است که در آن ادعا می‌شود «یک آیت‌الله ایرانی» مشغول توهین به عمر خلیفه دوم اهل سنت است. شخصی که گزارش سامان یولو، او را آیت‌الله معرفی می‌کند، این سخنان را به زبان می‌آورد: «اکثر شیعیان در اطراف ایران متمرکز شده‌اند. چرا؟ زیرا عمر الخطاب ایرانیان را تحقیر و آزار و اذیت می‌کرد. این مسئله اصلاً چیز کوچکی نبود. عمر امپراتوری استوار و شکست‌ناپذیر ایران را سرنگون کرد. و ما چه می‌گوییم؟ اعراب بادیه‌نشین سوار بر شتر آمدند و امپراتوری را در هم شکستند. کاری که آنها کردند حتی از کار اسکندر کبیر هم بزرگ‌تر بود. اسکندر کبیر در ایران هیاهویی به پا کرد، اما بعد از چند ماه مجبور به ترک ایران شد و این کشور را با دین خودش رها کرد. اما اعراب با ایرانیان چه کردند؟ آنها حتی تاج کسری را با شمشیرهایشان تکه تکه کردند و تکه‌هایش را بین افراد تقسیم کردند. سپس انسان‌های سرشناس را کشتند. آیا چنین عداوتی در چند سال از بین می‌رود؟ خیر. این دشمنی حتی اگر چندین قرن هم بگذرد از بین نمی‌رود. به همین دلیل دشمن ایرانیان نه خالد ابن الولید است و نه ابوبکر. دشمن ایرانیان عمر است. عمر برای همیشه نفرین شده است.» (Kutahyali, 2014)

این گزارش، مردم ایران را کسانی معرفی کرده که به دنبال نفاق و دشمنی بین‌ملت‌ها هستند. این گزارش که برای شوراندن سنی‌ها علیه شیعیان ساخته شده بود، با تلاش برای نشان دادن گفته‌های مبهم این شخصی به عنوان دیدگاه کل ایرانیان، سعی در تخریب چهره ایران نزد مردم ترکیه داشت. (Sevi, 2013) با این حال محتوای این سخنان و بسیاری موارد دیگر موجود در آن برنامه، خالی از واقعیت است. نکته مهم‌تر این است که این سخنان نه به زبان فارسی، بلکه به زبان عربی است و گوینده آن که چهره وی به درستی دیده نمی‌شود، نمی‌تواند یک آیت‌الله ایرانی باشد. بنابراین واضح است که گوینست‌ها این ویدئو را طوری دستکاری کرده‌اند تا شیعیان را بدنام و از جامعه طرد کنند. ادبیات کینه‌توزانه گوینست‌ها علیه شیعیان و ایران به قصد بدنام کردنشان در مواردی دیگر هم دیده می‌شوند. استدلال دیگری که آنها عنوان می‌کنند مفهوم متعه (صیغه) است. در این مورد، نگاه گوینست‌ها از مرزهای خیال‌گذر می‌کند و با نحوه بیانی وقیح تا آنجا پیش می‌رود که ایرانیان را انسان‌هایی غیراخلاقی و فاسد نشان می‌دهد. مثال‌های زیادی از این نفرت‌پراکنی علیه ایران در رسانه‌های وابسته به گولن وجود دارد به عنوان مثال، «بوگون» یک از روزنامه‌گولنی‌ها، در مقالاتی مدعی شده است که مقامات ایرانی در دهه 1990 تصمیم گرفته‌اند که ازدواج موقت را به نحوی گسترش دهند که با رفتن ده میلیون ایرانی به سمت آن، این مسئله نه تنها مربوط به حالت‌های استثنا





جریان گولن چندان نظر مساعدی نسبت به خاورمیانه عربی ندارد و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برای گولن از اهمیت بیشتری برخوردار است. در دیدگاه جماعت گولن، قرائت اسلامی اخوانی - عربی با واقعیت‌های معرفتی و حتی ژئوپلیتیکی ترکیه سازگاری ندارد و ترکیه هر چقدر سیاست خارجی خود را در بحران‌های خاورمیانه درگیر نماید، بیشتر مستعد آسیب‌پذیری خواهد شد. بر این اساس احیای قدرت ترکیه نه در خاورمیانه، بلکه در بسترهای اوراسیا امکان‌پذیر است؛ چرا که در این کشورها، اقلیت‌های بزرگ ترک زندگی می‌کنند.

گولن معتقد است اگر روزی قرار باشد که ترکیه جایگاه گذشته خود را همانند دوره عثمانی بازیابد و به یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان تبدیل شود، باید در میان ترک‌های دیگر کشورها نفوذ خود را بگستراند. بر این اساس آسیای مرکزی و قفقاز برای جماعت گولن دارای اهمیت زیادی است. در عین حال به نظر می‌رسد گولن از عمل‌گرایی و هوش بالایی برخوردار است و از اصطلاح «رهبری ترکیه» در منطقه استفاده نمی‌کند. وی خواهان استقلال‌یابی اقلیت‌های ترک در جمهوری‌های آسیای مرکزی نیست و حتی در مناطقی مانند چین، روسیه و یونان که ممکن است اقلیت‌های مسلمان ترک در تنگنا قرار گیرند، اقدام به موضع‌گیری مستقیم نمی‌کند. نمونه چنین امری را می‌توان در سکوت

---

نباشد، بلکه به یک امر عمومی تبدیل شده و جایگزین ازدواج دائم شود. روزنامه بوگون سپس جریانی را به راه انداخت که در آن ادعا می‌شد همین ازدواج‌های موقت و مدارک و اسناد تهیه شده از آن، بعداً به ابزاری در دست ایران برای کسب اطلاعات و جاسوسی و نفوذ در میان مقامات ترکیه تبدیل شده است. (Kutahyalı, 2014)

جریان گولن با تأکید بر رواج متعه در ایران، این‌گونه تبلیغ می‌کند که جمهوری اسلامی ایران از صیغه به عنوان یکی از ابزارهای اطلاعاتی‌اش استفاده می‌کند. این جریان چنین تبلیغ می‌کند که بسیاری از مقامات و سیاست‌مداران دولت ترکیه، در کشور خودشان اسیر این طعمه ایران شده‌اند و فیلم‌های ضبط شده آنها در اختیار سپاه پاسداران قرار دارد. به همین دلیل نیز حزب عدالت و توسعه مجبور است رابطه گرمی با ایران داشته باشد. در واقع جریان گولن اعتقاد دارد که ایران به لطف تله عاطفی که از طریق صیغه ایجاد کرده، نیاز به حرکت اطلاعاتی دیگری در ترکیه ندارد و توانسته به هزاران مسئله استراتژیک - از مسائل اساسی تا دیگر مسائل دولتی - دست یابد. (Sevi, 2013)

- جریان گولن در قبال سرکوب مسلمانان سین کیانگ در چین مشاهده نمود.
- به طور کلی جریان گولن در حوزه سیاست خارجی به دنبال چند هدف است:
1. کاهش سطح و قطع روابط ترکیه با جمهوری اسلامی ایران؛
  2. گسترش روابط ترکیه با امریکا و اتحادیه اروپا؛
  3. برقراری روابط باثبات و بی تنش با رژیم صهیونیستی؛
  4. تغییر جهت نگرش سیاست خارجی ترکیه از خاورمیانه و تمرکز آن بر مناطق ترک‌نشین در آسیای مرکزی و قفقاز؛
  5. اتحاد با یهودیان و کلیسای کاتولیک.

### نتیجه‌گیری

جنبش گولن دارای شبکه‌ای یچیده‌ای است که علاوه بر مدارس، دارای ارتباطاتی با مؤسسه‌های تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، روزنامه، ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی و بنگاه‌های اقتصادی و بانک‌ها است. اما این شبکه عظیم به هیچ سازمان و گروهی از نوع خود شبیه نیست. به نحوی که برخی آن را جریان فاقده ساختار و برخی دیگر نیز جریانی با ساختار هرمی، جریانی با ساختار ایالتی و جریانی با ساختار اطلاعاتی می‌دانند.

این جریان دارای پایگاه مردمی، مطبوعات و رادیو تلویزیون، مؤسسات مالی و پولی و تجاری، مدارس، دانشگاه و خوابگاه‌های متعدد دانشجویی در ترکیه است و با توجه به سرمایه‌گذاری‌هایی که در حوزه رسانه، حوزه آموزش و حوزه اقتصاد و بازار انجام داده، کارکردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی دارد و حتی در سیاست خارجی ترکیه نیز نفوذ پیدا کرده است.

اگر چه در سال‌های اخیر اردوغان تلاش زیادی برای از بین بردن این جریان کرده اما به نظر می‌رسد نسلی از هواداران گولن در حکومت، رسانه‌ها و عرصه تجارت ترکیه به موقعیت‌های مهمی دست پیدا کرده باشند. به نحوی که این نفوذ



فزاینده داخلی در پلیس، دستگاه قضایی، تلویزیون دولتی و دیگر بخش های نظام دیوانی ترکیه گسترش یافته و برای دولت اردوغان دردسرساز شده است.

از این رو به رغم آنکه جماعت گولن به صورت مقطعی آسیب دیده و تضعیف شده است، ولی در درازمدت قدرت آن در قالب حاکمیت احیا خواهد شد. به عبارتی جماعت گولن با تمام امکانات آموزشی، رسانه ای و تجاری اش، هنوز توان لازم برای شروع یک رقابت پر شدت با حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری اردوغان را ندارد، اما با توجه به اینکه از یک سو این حزب در گرو مدیریت کیش شخصیتی اردوغان است (فلاح، 1392) و از سوی دیگر عوامل منطقه ای و بین المللی نیز بر موفقیت و ناکامی آن تأثیر می گذارد، لذا به نظر می رسد در چشم انداز نه چندان دور، مجدداً جریان گولن خود را بازسازی می کند و از قدرت مطلوبی برای رویارویی یا تعامل با حزب عدالت و توسعه برخوردار می شود.

بر این اساس در حالی که هم اکنون دو طرف به تقابل و رقابت آشکار با یکدیگر می پردازند و پیش بینی می شود این رقابت در آینده نزدیک هم ادامه پیدا کند، اما به نظر می رسد در درازمدت هیچ یک از طرفین قادر به حذف طرف مقابل نباشد. زیرا ترکیه هم چنان در بافت اجتماعی خود شاهد رگه های سستی اجتماعی نظیر طریقت گرایی است و این مسئله می تواند موجب بقای هر دو طرف شود. البته باید توجه داشت که سیاست ورزی جماعت گولن مبتنی بر حضور در بطن جامعه و سیاست ورزی حزب عدالت و توسعه مبتنی بر حفظ و تداوم قدرت دولتی است. بنابراین هر یک در حوزه خاص خود هم چنان باقی خواهند ماند و قادر به حذف دیگری نیستند. علاوه بر این ممکن است هر دو طرف در مقاطعی به همکاری نزدیک با یکدیگر نیاز داشته باشند. به خصوص که در شرایط فعلی، تحركات اجتماعی زیادی نظیر تحولات کردی، بیداری علویان، بازیبن نگرهای طریقتی، قدرت طلبی سکولارها و... در جامعه ترکیه در حال جریان است و هر یک از آنها می تواند یکبار دیگر منافع حزب عدالت و توسعه و جریان گولن را به یکدیگر نزدیک کند.

## منابع و مأخذ

- اعتضاد السلطنه، نوژن، 1391، احزاب اسلامی و چشم‌انداز لائیسیته در ترکیه، تهران: انتشارات چاپخش.
- بهمن. شعیب، 1394، نفوذ مذهبی - سیاسی جریان گولن در ترکیه و جمهوری آذربایجان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- زارع. محمدرضا، 1383، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سایت فتح‌الله گولن، 2004.
- فتح‌الله گولن من‌حیث یک فرد، 1385، وب سایت رسمی فتح‌الله گولن (fgulen.com).
- گوشه‌ای از زندگانی استاد فتح‌الله گولن، 1388، وب سایت رسمی فتح‌الله گولن (fgulen.com).
- مصاحبه فتح‌الله گولن با روزنامه ملیت، 2005/1/12
- ملی‌گرایی، نژادپرستی نیست، 1997، سایت فتح‌الله گولن، 9/4
- یاووز.هاکان، 1392، هویت سیاسی اسلامی در ترکیه معاصر، ترجمه آزاد حاجی آقایی، تهران: نشر اشاره،
- Akyol. Mustafa, What you should know about Turkey's AKP-Gulen conflict, 3 January 2014 ; Economist, Erdogan v Gulen; Who will prevail?, The Economist Newspaper, 14 Dec 2013,
- Baran. Zeyno, Torn Country: Turkey between Secularism and Islamism, The Board of Trustees of the Leland Stanford Junior University) Herbert and Jane Dwight Working Group on Islamism and the International Order), 2010,
- Daily Sabah, 24,01,1997
- Kutahyali. Rasim Ozan, Gulenists use hate speech against Shiites, Iranians, al-monitor, 5 March 2014,
- Putz. Catherine, Turkish Targeting of Gülen Movement Reaches into Central Asia, The Diplomat, July 25, 2016
- Sevi. Selahattin, Islamic preacher Fethullah Gulen is pictured at his residence in Saylorsburg, Zaman Daily, 26 Sept 2013,
- The interview given to Nicole Pope, Le Monde, 28 April 1998

